



ایران در آستانه  
انتخابات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شورای اجتماعی کشور

جستارهایی در  
ایران در آستانه انتخابات

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

آبان ۱۳۹۴

جستارهایی در

## ایران در آستانه انتخابات

به سفارش شورای اجتماعی کشور

### رصد فرهنگ و اجتماع - ۳

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

آبان ماه ۱۳۹۴

جستارهایی در ایران در آستانه انتخابات / [تهیه و گردآوری] پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، رصد فرهنگ و اجتماع؛ [برای] شورای اجتماعی کشور. - تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۴.

۳۶۶ ص.؛ جدول، نمودار. - (رصد فرهنگ و اجتماع؛ ۳)

موضوع: ۱. ایران. مجلس شورای اسلامی - انتخابات - مقاله‌ها و خطابه‌ها ۲. ایران. مجلس شورای اسلامی - انتخابات - جنبه‌های جامعه‌شناختی ۳. انتخابات - ایران  
شناسه افزوده: الف. ایران. وزارت کشور. معاونت اجتماعی. شورای اجتماعی کشور ب. فروست

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ج. ۵ الف / ۱۷۱۶ DSR

رده بندی دیویی: ۰۸۴۴/۹۵۵

جستارهایی در ایران در آستانه انتخابات

شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

نوبت چاپ: آبان ۱۳۹۴

## فهرست مطالب

مقدمه / سیدمرتضی میرباقری \_\_\_\_\_ ۷

### ■ ■ ■ انتخابات و ملاحظات اجتماعی فرهنگی

- ۱۱ \_\_\_\_\_ پیچیدگی جامعه و کنش جمعی مردم در ایران / محمد آقاسی
- ۲۱ \_\_\_\_\_ نگاهی به رابطه روحانیت و مجلس، از مشروطه تا امروز؛ استغنائی سازمان روحانیت از مجلس / حسن اجرایی
- ۳۳ \_\_\_\_\_ انتخابات پارلمانی، هویت جمعی و امر سیاسی / ریحانه اصلان زاده
- ۴۱ \_\_\_\_\_ سازمان‌های رفاهی، کنترل سیاسی، شهروندی / رضا امیدی
- ۴۷ \_\_\_\_\_ تأملی بر مشارکت طبقه متوسط در انتخابات پیش‌رو / یاسر باقری
- ۵۷ \_\_\_\_\_ پیامدهای نگاه اصلی به جای نگاه آلی به انتخابات در ایران / محمدرضا جوادی یگانه
- ۷۱ \_\_\_\_\_ اقوام و انتخابات / ابراهیم حاجیانی
- ۸۳ \_\_\_\_\_ بررسی هویت مورد نظر گفتمان جمهوری اسلامی ایران در قبال زنان / سید محمدمهدی خوبی
- ۹۷ \_\_\_\_\_ وندالیسم انتخاباتی؛ تخریب اموال عمومی یا تخریب افکار عمومی؟ / محمدمهدی رحمتی
- ۱۰۳ \_\_\_\_\_ اقتصاد انتخابات مجلس / علی سرزعیم
- ۱۱۱ \_\_\_\_\_ لنینی شدن فرایند / علیرضا شجاعی زند
- ۱۲۳ \_\_\_\_\_ امتناع وعده‌های انتخاباتی در سطح ملی / عباس عبدی
- ۱۳۱ \_\_\_\_\_ مجلس شورای اسلامی و سرمایه اجتماعی / غلامرضا غفاری
- ۱۴۱ \_\_\_\_\_ تحلیل پیامدهای اجتماعی و فرهنگی انتخابات؛ از منظر منازعات کلامی / محمد جواد غلامرضا کاشی
- ۱۵۱ \_\_\_\_\_ الزامات مجلس دهم برای بقا و ارتقای ایران / محمد فاضلی
- ۱۶۳ \_\_\_\_\_ گذار به مردم‌سالاری مستقیم / ناصر فکوهی
- ۱۷۱ \_\_\_\_\_ دروغ‌گویی در انتخابات؛ اشکال، سطوح، و پیامدها / حسن محدثی گیلوایی
- ۱۹۵ \_\_\_\_\_ احزاب شه‌ساخته دوره پهلوی و انتخابات / رضا مختاری اصفهانی
- ۲۰۳ \_\_\_\_\_ انتخابات فرصتی برای انشقاق یا ائتلاف / احمد میدری
- ۲۱۵ \_\_\_\_\_ ملاحظات درباره انتخابات در ایران / جواد میری
- ۲۲۳ \_\_\_\_\_ انتخابات و فرهنگ شهرت؛ مشاهیر ورزشی و هنری (سلبریتی‌ها) و انتخابات در ایران / راضیه یاسینی

### ■ ■ ■ انتخابات و مطالبات

- ۲۳۹ \_\_\_\_\_ انتخابات و مطالبات زنان / شیرین احمدنیا
- ۲۴۹ \_\_\_\_\_ انتخابات و مطالبات رأی اولی‌ها / سمیه توحیدلو
- ۲۶۳ \_\_\_\_\_ انتخابات، آموزش عمومی و مسئله آب / جبار رحمانی

- ۲۷۳ \_\_\_\_\_ مطالبات در حوزه گاز طبیعی و آینده ایران / مجید عباسی
- ۲۸۱ \_\_\_\_\_ انتخابات و اقلیت‌های مغفول: صدا و ژئوپلیتیک قومی-دینی / مهرداد عربستانی
- ۲۹۳ \_\_\_\_\_ رصد اقتصاد هنر ایران در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی / محمدرضا مریدی

### ■ ■ ■ انتخابات و رسانه‌ها

- ۳۰۱ \_\_\_\_\_ رویکرد شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای به انتخابات ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۰۹ \_\_\_\_\_ استفاده از ظرفیت پیام‌رسان‌های موبایلی در انتخابات / شادی ضابط
- ۳۱۹ \_\_\_\_\_ آن‌لاین بدون ایمیل / محمد معماریان
- ۳۳۱ \_\_\_\_\_ الگوی تبلیغات رسمی انتخابات در ایران با تأکید بر صداوسیما / نوح منوری
- ۳۳۹ \_\_\_\_\_ ناآرامی در نهاد ناپایدار شبکه همراه / فرشاد مهدی‌پور
- ۳۴۷ \_\_\_\_\_ رفتار انتخاباتی با نگاهی به مصرف رسانه‌ای / عباس نعمتی
- ۳۵۷ \_\_\_\_\_ اهمیت ویدئوهای منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی مجازی در آستانه انتخابات مجلس دهم / حسین یزدان‌شناس

## ■ ■ ■ اقوام و انتخابات

ابراهیم حاجیانی

عضو هیئت علمی دانشگاه

مدیرگروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک

### ۱. مقدمه و طرح مسئله

بخش مهمی از جمعیت و جامعه ایرانی را اقوام و خرده‌فرهنگ‌های قومی، محلی و منطقه‌ای تشکیل می‌دهند و گرایش‌ها، نگرش‌ها و کنش‌های آنان در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حائز اهمیت فراوان است. به عبارتی، کم و کیف جهت‌گیری‌های اقوام ایرانی نقش بسزایی در مسائل عمومی و روندهای جاری کشور دارد. از جمله این حوزه‌ها یا مسائل، موضوع انتخابات است که به سبب تکرار و فراوانی انتخابات در ایران، رابطه و نوع فعالیت اقوام در برهه‌های انتخاباتی موضوعی مهم و قابل مطالعه و بررسی است. در این باره می‌توان به ابعادی همچون میزان و جهت‌گیری مشارکت سیاسی اقوام و احتمالات آن و یا بحران‌ها و مشکلات سیاسی و امنیتی مشارکت اقوام در انتخابات و به طور مشخص منازعات دسته‌جمعی در مناطق قومی پرداخت. اما، آنچه در این وجیزه قابل تأمل است، بررسی وضعیت احتمالی مشارکت سیاسی اقوام در انتخابات مجلس شورای اسلامی در پایان سال جاری و پیش‌ران‌ها،

عوامل و متغیرهای مرتبط با آن است. بر این اساس، سؤال اصلی در اینجا آن است که «میزان مشارکت اقوام در انتخابات پایان سال چگونه خواهد بود و این موضوع تحت تأثیر چه عوامل و متغیرهایی خواهد بود؟». بنابراین، ماهیت این یادداشت تا حدودی آینده‌پژوهانه است و تلاش می‌شود تا با نگاه بر سوابق پراکنده و نیز روندها و جریان‌ها مشاهده‌شده در تجارب و انتخابات گذشته، به چشم‌انداز و یا حداقل تأملاتی در خصوص احتمال‌ها و آینده‌های محتمل در خصوص مشارکت اقوام در انتخابات پیش رو بپردازد و پیش فرض اصلی نیز آن است که در صورت دستیابی به حداقلی از چشم‌اندازها، نهادها، دستگاه‌ها و مجریان امر انتخابات، پیش‌آگاهی‌هایی در این زمینه خواهد داشت و از ایجاد بحران‌ها، آشفتگی‌ها و بی‌نظمی‌های احتمالی پیشگیری خواهد کرد.

## ۲. نگاهی بر روند و میزان مشارکت اقوام و عوامل مرتبط با آن

پرواضح است که هرگونه تأمل دربارهٔ مشارکت سیاسی و انتخاباتی اقوام بایستی با عطف توجه به نوع انتخابات (مجلس شورای اسلامی، ریاست‌جمهوری، خبرگان رهبری و شوراهای) و نیز قومیت یا منطقهٔ فرهنگی - جغرافیایی خاص صورت پذیرد و اما از آنجاکه برخی ویژگی‌ها و روندهای مشابه در این میان وجود دارد و به چشم می‌خورد، ارائهٔ تحلیل‌های اجمالی و کلی نیز امکان‌پذیر است، به‌ویژه آنکه ماهیت و مکانیسم برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی با انتخابات ریاست‌جمهوری تفاوت اساسی و جدی دارد. با این همه و با تأکید بر مرور اعداد و ارقام مشارکت اقوام در انتخابات گذشتهٔ مجلس شورای اسلامی، باید گفت میزان مشارکت اهالی مناطق قوم‌نشین به‌خصوص بلوچستان و کردستان عمدتاً بالاتر از میانگین ملی نرخ مشارکت بوده است؛ همین‌طور میزان مشارکت مناطق لرنشین در مرکز و غرب کشور (به‌خصوص لرستان، چهارمحال بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد) نیز از سایر استان‌ها بالاتر بوده است. این امر، که به وضوح بیشتری در انتخابات ریاست‌جمهوری قابل مشاهده است، تا حدی بالا بوده که گاهی میزان مشارکت عملی و واقعی از نرخ جمعیت در سن رأی‌دهی هم بالاتر می‌رود که دلایل خاص خود را دارد. به همین ترتیب، شور و اشتیاق انتخابات و حرارت رقابت‌های سیاسی مربوط به کاندیداها در این مناطق بیشتر و جدی‌تر است، به نحوی که معمولاً اعلام رسمی نتایج انتخابات در برخی از این مناطق همواره با شکل‌گیری منازعات دسته‌جمعی و خشونت‌های کور پراکنده روبه‌رو می‌شود. در تحلیل چرایی این موضوع و بالا بودن نرخ مشارکت سیاسی اقوام ایرانی نباید فراموش کرد که این مطلب



يك ویژگی ذاتی کلیه مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته کشور است، به نحوی که معمولاً میزان مشارکت سیاسی این مناطق از میانگین ملی و به‌خصوص از استان‌های صنعتی و کلان‌شهرها (به‌خصوص تهران، شیراز، اصفهان، مشهد و تبریز) بالاتر است. شاید علت اصلی این مهم را بتوان در ماهیت مشارکت‌کنندگان و انگیزه‌های ملی، دینی و نیز پایگاه قوی‌تر مشروعیت نظام جمهوری اسلامی در مناطق محروم کشور ملاحظه کرد؛ به این معنی که چون مقبولیت و جایگاه نظام در این مناطق قوی‌تر است، همدلی و همراهی آنها در کنش‌های انتخاباتی (کنشی از جنس ایرانی و فرهنگ سیاسی خاص ایرانیان) بیشتر است و نظام رسانه‌ای و تبلیغی کشور توانایی بسیج بیشتری در این مناطق دارد؛ ضمن آنکه نایبستی تأثیرات خدمات گسترده حمایتی، تأمین و رفاهی نظام را در این مناطق (نسبت به گذشته) از یاد برد. بنابراین، افزایش یا بلابودن نرخ مشارکت در مناطق قومی را نیز تا حدودی می‌توان بر این پایه تحلیل کرد، چراکه معمولاً مناطق قومی کشور از حیث شاخص‌های اقتصادی اجتماعی توسعه شرایط مناسبی ندارند و به‌خصوص استان بلوچستان و کردستان معمولاً در ردیف استان‌های کمتر توسعه‌یافته کشور، که واجد نابرابری بیشتری هستند، قرار می‌گیرند. افزون بر این، باید به مسئله قوت هویت ملی و گرایش‌های مرکزخواهانه در این مناطق توجه کرد. برخلاف تصور کسان بسیاری که گرایش‌های ملی را در اهالی این مناطق ناچیز می‌دانند، تحقیقات و بررسی‌های پیمایشی متعدد حاکی از آن است که میزان تمایلات فرهنگی اجتماعی اقوام به ارزش‌های ملی، جغرافیا، فرهنگ، سنت‌ها، تاریخ و میراث ایرانی بسیار بالاتر از فارس‌هاست و اهالی این مناطق به‌جز در بُعد زبانی (تعلق به زبان فارسی) و نیز وفاداری به بُعد سیاسی هویت ملی (یعنی احساس نزدیکی درونی و قلبی با ارزش‌ها و نهادهای سیاسی)، در سایر ابعاد به‌شدت دارای تعلقات ملی و وطنی هستند و این مسئله (به‌خصوص در میان لرها) مشهود است. این ارقام حتی در میان ایرانیان عرب‌زبان، کردزبان و بلوچ هم بالاتر از میانگین ملی است. لذا، چون انتخابات در ایران نیز معمولاً رنگ و بو و اهمیت «ملی» پیدا می‌کند و به‌گونه‌ای هویتی‌بازنمایی می‌شود، طبیعتاً مشارکت گسترده‌تر اقوام ایرانی را نیز موجب می‌گردد. اما، از این دو مطلب که بگذریم، مشارکت اقوام در انتخابات مجلس شورای اسلامی و سایر انتخابات‌ها بدان دلیل است که اهالی این مناطق از فضای انتخاباتی به‌عنوان يك فرصت بی‌بدیل برای مشارکت سیاسی بهره می‌جویند. در این زمینه دو توجیه مهم قابل طرح است: نخست آنکه انتخابات فرصتی برای «بیان هویتی» و اعلام حضور اقوام در

فضای سیاسی کشور است و امکان ارائه خود جمعی یا هویت قومی را به عنوان یک کنشگر سیاسی فراهم می‌سازد. علت اصلی این مطلب را هم باید در «فرصتی» دانست که نظام سیاسی برای ابراز هویت ایجاد می‌کند؛ بُعد دوم نیز به مسئله مطالبات انباشته اهالی مناطق قومی مربوط می‌شود. انتخابات شرایطی برای طرح مطالبات و تقاضاهای دسته‌جمعی اقوام به وجود می‌آورد هرچند این مطالبات در سایر حوزه‌ها و از طرق دیگر نیز قابل طرح و پیگیری است، انتخابات (از نگاه آحاد شهروندان و کنشگران قومی) هزینه‌های مربوط به آن را کاهش می‌دهد. به عبارتی، اقوام تصور می‌کنند امکان بیان و پیگیری تقاضاهای عمومی‌شان با کمترین هزینه در زمان انتخابات فراهم است. به این جهت است که کاندیداهای هوشیار نیز با انگشت گذاشتن بر این نیازها، مطالبات خود را به عنوان سخنگو و تریبون این مطالبات معرفی کرده و ادعای حل و فصل و پاسخ‌گویی به آنها را می‌کنند تا از این طریق حداکثر آراء را به سبب رأی خود و صندوق‌های اخذ رأی جلب و جذب کنند. به همین ترتیب، علت اخذ رأی بالای کاندیداهایی که معمولاً به عنوان کاندیدای منتقد شناخته می‌شوند (مانند سیدمحمد خاتمی، مصطفی معین یا حسن روحانی) در انتخابات ریاست‌جمهوری قابل فهم می‌شود. در واقع، اقوام احساس می‌کنند از طریق این کاندیداها می‌توانند هویت متفاوت فرهنگی خود را به رخ کشیده و از سوی دیگر انتظار دارند که این کاندیداها پیگیر مطالباتشان در مرکز کشور باشند. به همین سیاق در سطح انتخابات مجلس نیز هر کاندیدایی که بتواند خود را در موضع انتقادی قرار داده، چهره قومی و محلی از خود به نمایش بگذارد (مانند چهرگانی در انتخابات شهر تبریز) با موج وسیعی از آراء روبه‌رو شده و سبب رأی خود را فربه‌تر می‌سازد. نکته مهم آنکه نباید تصور کرد که تمامی این مطالبات قومی الزاماً واگرایانه، تجزیه‌طلبانه و براندازانه است، بلکه عمده و اکثر این درخواست‌ها در چارچوب و در درون ساختار رسمی موجود قرار می‌گیرند و غیرساختارشکنانه هستند، اما چون تصور بر آن است که امکان طرح و پیگیری آنها در فضای غیرانتخاباتی میسر نیست، در هنگامه انتخابات تبلور عینی و ظهور بیرونی می‌یابند.

از جهت دیگر، میزان مشارکت سیاسی در انتخابات مجلس به صورت طبیعی افزایش شدیدی می‌یابد و آن بدان دلیل است که ماهیت رقابتی محلی (رقابت محلی) بیشتری در میان کاندیداها وجود دارد. توجه به این نکته مهم است: بافت جمعیتی و اجتماعی شهرها و مناطق قوم‌نشین کشور کماکان ماهیت عشیره‌ای دارد و نقش وابستگی‌های خانوادگی و عشیره‌ای کاندیداها در جلب آراء انکارناپذیر است. به عبارتی، نقش سران

قبایل، نخبگان قومی، خوانین و سرداران و شخصیت‌های محلی در جهت‌دهی به آرای عمومی بسیار تعیین‌کننده است و به همین دلیل کاندیدها نیز می‌کوشند تا حداکثر استفاده را از وابستگی‌های قومی و عشیره‌ای خود کرده و با نزدیکی به مراجع غیررسمی قدرت سیاسی، رأی دسته‌جمعی و گروهی روستاها و عشایر را به سمت خود هدایت کنند. این وضعیت در شهرهایی که دو یا چند طایفه بزرگ قومی در کنار هم به سر می‌برند و رقابت محلی میان آنها هم شدید باشد حائز اهمیت بیشتری بود و تأثیر قاطعی در میزان مشارکت سیاسی و نتایج انتخابات خواهد داشت. به سخن دیگر، رقابت‌های محلی میان کاندیدها و تلاش برای کسب آراء بیشتر در مناطق قومی فی‌النتیجه موجب افزایش مشارکت اقوام در انتخابات می‌شود. افزون بر این عوامل، باید به نقش عوامل سیاسی و تأثیرگذاری احزاب و گروه‌های سیاسی (خودی) هم اشاره کرد که ضمن آنکه بر گرمی انتخابات می‌افزایند، مشارکت اقوام را دوچندان می‌کنند، به‌خصوص آنکه وقتی این احزاب ماهیتی ملی داشته و در سطح فرااستانی فعالیت داشته باشند. در مجموع، میزان مشارکت اقوام در انتخابات مجلس شورای اسلامی تابعی از شدت گرفتن مطالبات و تقاضاهای عمومی، مطالبات و تقاضاهای قومی - محلی، تعارضات عشیره‌ای و ساختار فرهنگی - قبیلگی حاکم بر شهرستان، نوع کنشگری کاندیدها و میزان یا سطح مداخله سران، خوانین، سرداران و اقطاب است. بر این عوامل بایستی نقش متغیر تفاوت مذهبی را نیز افزود، چراکه در بسیاری از مناطق علاوه بر تفاوت قومی، تفاوت مذهبی نیز وجود دارد و شکاف‌های اجتماعی متراکم‌تری به وجود می‌آید که ناشی از اهل سنت بودن رأی‌دهندگان است. این متغیر در اکثر شهرهای کردستان و آذربایجان غربی، تمامی بلوچستان، اهل سنت ساکن استان‌های گلستان، خراسان رضوی و جنوبی، جنوب فارس، هرمزگان، کرمانشاه و تا حدودی بوشهر قابل مشاهده است. به عبارتی، اقلیت‌گرایی مذهبی (اقلیت‌گرایی سنی) در سطح متوسط در استان‌های بلوچستان و کردستان و نسبتاً خفیف در سایر استان‌ها موجبات مشارکت بیشتر اهل سنت را فراهم می‌سازد. اهل سنت ایران نیز با در نظر گرفتن تمایلات همگرایانه آنان، معمولاً نگرانی‌ها و تقاضاهای مذهبی دارند که انتظار دارند منتخبان‌شان در مجلس شورای اسلامی آنها را پیگیری کنند. این مسئله هرچند در کردستان و آذربایجان غربی کم‌رنگ‌تر است (چون کردها بیشتر و حداقل تاکنون بیشتر قومی‌اند تا مذهبی)، در بلوچستان حائز اهمیت فراوان است. بنابراین، اهل سنت بلوچ از فرصت انتخابات مجلس برای طرح و پیگیری تقاضاهای دسته‌جمعی خود که ماهیتی مسالمت‌آمیز و در نظام دارند، حداکثر استفاده

را می‌کنند. این رویه در میان اهل سنت قطعاً متأثر از رویهٔ مصالحه‌جویانه رهبران مذهبی اهل سنت به‌خصوص مرجع رسمی آنان در مسجد مکی زاهدان است که همواره مشارکت فعال، مؤثر اما منتقدانه‌ای در انتخابات سراسری (ملّی) و محلی داشته‌اند؛ به عنوان مثال، مولوی عبدالحمید حمایت آشکاری را از خاتمی، کروبی، روحانی و هاشمی ابراز داشته است و از آنجا که قاطبهٔ بلوچ‌ها و ترکمن‌ها و عرب‌زبان‌های ایرانی اهل سنت به‌شدت مذهبی هستند، موجبات مشارکت بیشتر آنها را در انتخابات فراهم کرده است. مجمل کلام آنکه مشارکت انتخاباتی اقوام ایرانی و اهل سنت ناشی از شکاف‌های ساختاری (قومی - مذهبی) است و خوشبختانه این تمایزات تاکنون باعث واگرایی، انفعال و عدم مشارکت نشده و بالعکس مشارکت فعالانه، مؤثر و پیگیر آنها را موجب گردیده است.

### ۳. آینده‌نگری مشارکت سیاسی اقوام ایرانی در انتخابات آتی

سؤال، دغدغه و نگرانی جدی دیگری که مطرح است دربارهٔ پیش‌بینی میزان مشارکت سیاسی اقوام ایرانی در انتخابات پیش روی مجلس شورای اسلامی در پایان سال جاری شمسی است که با توجه به شرایط جدید کشور، آرایش احزاب و گروه‌های سیاسی، شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای و به‌خصوص استقرار دولت یازدهم (با شعار امید، تدبیر و اعتدال) مسئلهٔ مهم و حائز اهمیت است. بدیهی است هرچه میزان مشارکت اقوام در استان‌های مختلف به‌ویژه استان‌های مرزی بالاتر باشد، ثبات نظام نیز ارتقا می‌یابد. به عبارتی، حفظ مشارکت سطح بالای اقوام در انتخابات بعدی بسیار مهم است. ضمن آنکه این مشارکت بایستی عمیق‌تر، داوطلبانه‌تر، متأملاًنه‌تر و آگاهانه‌تر از قبل هم باشد تا از طریق آن رویکردهای همگرایانه و مرکزگرایانه در اقوام بیش از پیش تشدید شود. این مسئله به‌درستی و عمیقاً می‌تواند ماهیت تهدیدزدایی داشته باشد و به طور جدی تهدیدات ناشی از مداخلات خارجی قدرت‌های بزرگ، قدرت‌های منطقه‌ای و به‌خصوص جریان‌ات سلفی - تکفیری فعال در منطقه را دفع و زائل سازد و آنها را از جدار مرز ایران ناامید کند. به عبارت دیگر، هرچه مشارکت اقوام ایرانی به‌خصوص کردها و بلوچ‌ها بالاتر باشد، تلاش رسانه‌ای تبلیغی و سیاسی جریان‌ات خارجی و تکفیری ناکام‌تر شده و باعث قطع امید و چشم‌داشت آنها از حضور در مناطق مرزی ایران، پایگاه‌سازی و جذب نیروی جدید از میان اقوام ایرانی می‌شود. بنابراین، تلاش عموم نهادهای نظارتی، اجرایی، سیاسی، امنیتی و اطلاعاتی باید در جهت ایجاد زمینه برای مشارکت حداکثری اقوام در انتخابات باشد و مخاطرات و ریسک‌های احتمالی مشارکت بالا، بر هزینه‌های احتمالی

آن می‌چرید. اما، نخست باید احتمال قوی‌تر و محتمل‌الوقوع‌تر را با عنایت به برخی پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های مربوط به آن حدس زده و ارائه کرد.

صرف نظر از مناقشات نظری و چالش‌های مطرح در حوزه مطالعات آینده (آینده‌پژوهی)، در صورتی که بخواهیم قضاوت صریحی دربارهٔ محتمل‌ترین سناریو در خصوص میزان مشارکت اقوام ایرانی در انتخابات مجلس داشته باشیم، می‌توان حالت یا وضعیت «مشارکت بالا» و حفظ یا تداوم نرخ‌های قبلی مشارکت انتخاباتی (مانند انتخابات مجالس قبلی را) برای مناطق قوم‌نشین پیشنهاد کرد یا در نظر گرفت. به بیان ساده‌تر، میزان مشارکت اقوام در انتخابات آتی مجلس کماکان بالاتر از میانگین نرخ مشارکت ملی خواهد بود و تغییر اساسی در این باره پدید نمی‌آید و رخدادی غافلگیرکننده (خارق‌العاده یا وحشیانه) به وجود نمی‌آید. این سناریو محتمل‌ترین حالت خواهد بود. در وهلهٔ بعد سناریوی بعدی (سناریو دوم) احتمال مشارکت بالاتر از دوره‌های قبلی خواهد بود؛ یعنی، آنکه احتمال دارد میزان مشارکت انتخاباتی در مناطق قوم‌نشین از مشارکت‌های قبلی آنان بالاتر رود. این در حالی است که می‌توان پیش‌بینی کرد که این میزان در سطح سایر استان‌ها و مناطق مرکزی (غیرقوم‌نشین) به احتمال زیاد با افت نسبی و حداقلی روبه‌رو خواهد شد. لذا، اگر متهم به خوش‌بینی بیش از حد و ساده‌اندیشی دربارهٔ کم و کیف مشارکت سیاسی اقوام در آینده نشویم، اکنون لازم است که مبانی و متغیرهای پایداری که موجبات تحقق این سناریو را فراهم می‌سازند مرور کنیم و به بررسی پیشران‌های مؤثر بر مشارکت سیاسی بپردازیم تا نقطهٔ عزیمت و خاستگاه طرح این آیندهٔ محتمل را روشن و روش استدلال خود را تبیین کنیم و توضیح دهیم. بر اساس روش‌های رایج در مطالعات آینده‌پژوهی که عموماً بر پیشران‌ها اتکا دارند و منابع تغییر یا تداوم روندها را در کم و کیف پیشران‌ها جستجو می‌کنند، در اینجا نیز می‌کوشیم تا وضعیت (احتمالی) پیشران‌ها یا منابع تغییر را واکاوی کنیم.

نگارنده برای این کار در ادامه از رویکرد یا روش کالمن - فیلتر به عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌های آینده‌پژوهی بهره می‌جوید. مطابق معمول، در هر گونه آینده‌نگری در اینجا نیز به مقوله‌های مهمی مانند نیروهای پیشران (به عنوان منابع تغییر) و نیز «تغییر در الگوها» توجه می‌شود. در روش کالمن فیلتر هم ضمن ابتناء بر روندها و تجارب گذشته، به بررسی حضور و یا تداوم نیروهای قبلی (بلا تغییر) و حضور نیروهای جدید یا در حال تغییر توجه می‌شود. در کل، تحلیل را با ابتناء بر کم و کیف نیروها و

متغیرهای جدید پیش خواهیم برد.

بر این اساس، نخست به تحلیل وضعیت نیروها، منابع و متغیرهایی که تاکنون در میزان مشارکت انتخاباتی اقوام مؤثر بوده‌اند پرداخته و وضعیت مربوط به هرکدام را حدس می‌زنیم. درباره آنچه تاکنون و در فراز قبلی بدان پرداختیم باید گفت بسیار بعید است تغییرات فاحشی از الگوی موجود مشارکت سیاسی اقوام و عوامل پایه‌ای آن طی چند ماه آینده به وجود آید؛ یعنی آنکه میزان مطالبات و تقاضاهای عمومی و دسته‌جمعی اقوام کماکان مهم و جدی و برجسته خواهد بود؛ دو دیگر آنکه اقوام ایرانی تمایل دارند تا آنها را از طریق مسالمت‌آمیز و صندوق رأی دنبال کنند و بسیار بعید است که به دنبال راهکار یا گزینه دیگری به جز انتخابات برای تحقق درخواست‌های قومی - مذهبی خود باشند. همان‌طور که آمار و ارقام توسعه‌ای و به‌خصوص شاخص‌های توسعه انسانی (آموزش، بهداشت، رفاه و...) نشان می‌دهند، وضعیت اقوام و استان‌های قوم‌نشین طی چهار سال گذشته دچار تغییرات نسبتاً بهتری (در مقایسه با گذشته) شده است، هرچند سطح توقعات آنان نیز اندکی افزایش یافته است، باعث شکاف بیشتر بین انتظارات با واقعیت‌های جاری نشده است که پیامد آن نارضایتی بیشتر آنها (نسبت به چهار سال گذشته) باشد. از سوی دیگر، در میزان گرایش‌های هویتی (هویت ملی) و تعلقات مرکزگرایانه اقوام ایرانی نیز بعید است تغییر محسوسی رخ داده باشد و آخرین پیمایش‌های تجربی نیز حاکی از قوت هویت ملی (هویت ایرانی) مردم ساکن در مناطق قوم‌نشین است. این در حالی است که طی ۲-۳ سال اخیر موج فعالیت‌های تبلیغی و رسانه‌ای گروه‌های قوم‌گرا (کردی، بلوچی، عربی، ترکمنی و...) نیز دچار رشد محسوسی نشده است و یا حتی افت کرده است. هرچند تعداد پایگاه‌های اینترنتی و شبکه‌های تلویزیونی (ماهواره‌ای) قوم‌گرا اندک رشدی داشته است، میزان مداخله و نفوذ عملی آنها در ذهنیت کنشگران قومی محدودتر شده است و بنا به دلایلی همچون برجسته‌شدن سبک‌های زندگی مدرن، زنانه‌شدن، شهری‌شدن، پزشکی‌شدن، متأملانه‌شدن مردم که تحت تأثیر سواد بیشتر (سواد عمومی و سواد رسانه‌ای) بوده‌اند، اقوام چندان تحت تأثیر این رسانه‌ها قرار ندارند و در عوض پیوندها و ارتباطات میان فرهنگی و میان قومی آنها در اثر رشد شاخص‌هایی مانند گردشگری داخلی، خدمت سربازی، آموزش عالی و... بیشتر هم شده است و سرمایه اجتماعی عام (یا ملی) اقوام اندکی ارتقا پیدا کرده است. به همین منوال تغییرات محسوسی در ساختار عشیره‌ای و قومی رخ نداده است و به‌رغم مدرن‌شدن بیشتر مظاهر زندگی

و درپیش گرفتن سبک‌های زندگی مدرن و فراغت‌محور شدن گروه‌های مختلف سنی و جنسی به‌خصوص جوانان، طیف رأی‌دهندگان سنتی در مناطق قومی هنوز تحت‌تأثیر فرهنگ عشیره‌ای خود هستند و رقابت‌های محلی و بین قومی بر کنش‌های سیاسی و انتخاب‌های مردم نافذ و تعیین‌کننده‌اند؛ ضمن آنکه چهره‌های جوان منتقد و معترض در سطح شهرهای قوم‌نشین نیز بیشتر شده‌اند که خواهان پیگیری مطالباتشان از طریق انتخابات و مشارکت سیاسی مؤثر در انتخابات هستند. به عبارتی، گرایش قوم‌گرایانه (در چارچوب وضع موجود) نیز حفظ یا حتی تشدید شده است که موجب رقابتی‌شدن فضای انتخابات خواهد شد. به همین منوال، تفاوت‌های مذهبی (و جنبش سیاسی اهل سنت) نیز در این سال‌ها فعال‌تر شده، اما این مطالبات در چارچوب مسالمت‌آمیز دنبال می‌شود. متغیّر پیش‌ران دیگری که به صورت سنتی در مشارکت سیاسی اقوام مؤثر بوده، فضای هنجاری ایجادشده در کشور برای تهییج و بسیج عمومی مردم است که این عامل نیز در آینده (چند ماهه پیش رو) قطعاً به وجود خواهد آمد و باعث تداوم مشارکت سیاسی سنتی مردم خواهد شد. عامل دیگر نیز ایجاد فرصت سیاسی برای مشارکت از سوی نظام است که بعید است عملکرد نهادهای نظارتی در خصوص بررسی صلاحیت کاندیدها تغییر محسوسی پیدا کند و ملاحظات و رویه‌های قبلی توسط شورای نگهبان و سایر نهادهای ذی‌ربط به صورت حداقلی (یعنی مشابه دوره‌های قبل) دنبال خواهد شد. بنابراین، اگر بخواهم بر مبنای روند گذشته قضاوت کنیم، تغییر محسوسی در پیش‌ران‌ها و عوامل تأثیرگذار در انتخابات قبلی رخ نداده است و لذا مشارکت انتخاباتی (به عنوان متغیّر وابسته) نیز در چند ماه آینده به همان سیاق قبلی رخ خواهد داد. اما در این میان، چند متغیّر جدید و بسیار مؤثر نیز در ۳-۴ سال اخیر به میدان آمده است که هم تأثیر متغیّرهای قبلی را (به نفع افزایش مشارکت اقوام بالا) می‌برد و هم اینکه خودشان باعث افزایش مشارکت اقوام در انتخابات آینده می‌شوند.

از جمله این متغیّرها یا نیروهای جدید باید به استقرار دولت یازدهم در سال ۱۳۹۲ و پیامدهای آن طی دو سال گذشته در عرصه عمومی کشور اشاره کرد. صرف نظر از هرگونه پیشداوری و تعصب سیاسی - جناحی باید اذعان کرد که شکل‌گیری دولت جدید و شعارهای آن به‌خصوص امیدآفرینی و تدبیرگرایی آن باعث دلگرمی هرچه بیشتر عموم مردم و نیز اقوام و خرده‌فرهنگ‌های ایرانی شده و آنها را نسبت به فعالیت سیاسی مسالمت‌آمیز تشجیع و ترغیب کرده است. حمایت علنی نخبگان اهل سنت و اقوام از آقای روحانی در فرایند انتخابات گذشته ریاست‌جمهوری و حفظ پیوندهای



سیاسی دولت با آنها (از کانال فعالیت‌های مشارکت رئیس‌جمهوری در حوزه اقوام و اقلیت‌ها) موجب حفظ انگیزه‌های قبلی آنان شده و خواهد شد. همین‌طور فضای امید اجتماعی ایجاد شده نیز بر مردم و نخبگان قومی تأثیرگذار بوده و باعث افزایش مشارکت سیاسی آنها خواهد شد، به‌خصوص آنکه در چند ماه آینده احزاب سیاسی نزدیک به دولت نیز فعالیت بیشتری کرده و شاخه‌ها و شعبات آنها در استان‌های مختلف از جمله استان‌های قومی و مرزی فعال خواهند شد و عرصه را برای مشارکت و جریان‌ات رقیب دولت تنگ‌تر می‌کنند و این امر باعث تقویت انگیزه‌های مشارکت سیاسی آنها خواهد شد. بنابراین، شکل‌گیری دولت یازدهم فضای عمومی را برای مشارکت سیاسی اقوام از کانال‌های مختلف دامن می‌زند و اشتیاق آنان را برای حضور بر سر صندوق‌های رأی به‌طور معناداری افزایش می‌دهد. در ادامه همین منبع یا پیش‌شان باید به تأثیر جدی مذاکرات هسته‌ای و توافقنامهٔ برجام، صرف نظر از سرانجام یا پیامدهای عینی و عملی آن، در چند ماه باقی‌مانده اشاره کرد. در واقع، توفیق دولت یازدهم در رسیدن به توافق هسته‌ای ضمن آنکه موجب امید و نشاط اجتماعی و عمومی شده است، پایگاه اجتماعی دولت را نیز تقویت کرده و افکار عمومی متمایل به حمایت بیشتر از عملکردها و رفتارهای متعادل دولت شده است (هرچند نیروهای مخالف نیز در مقابل تمایلی فراوان بر امیدزدایی از مردم دارند). بنابراین، در صورت فعال‌شدن احزاب و کاندیداهای متمایل به دولت، مشارکت عمومی نیز افزایش خواهد یافت. دیگر منبع پیش‌شان و مؤثر، نحوهٔ عملکرد نهادهای نظارتی بر انتخابات مجلس است؛ به این معنی که هرچه فضای بازتری برای تأیید صلاحیت‌ها ایجاد شود، طبعاً میزان مشارکت نیز ارتقا خواهد یافت. در این زمینه باید به نحوهٔ تعامل و گفتگوی دولت یا شورای نگهبان اشاره کرد که در صورت دستیابی به توفیق در این تعاملات، مشارکت اقوام نیز تقویت خواهد شد. در بُعد داخلی، دیگر نیروی مهم غیبت جریان‌ات سیاسی معارض در فضای عمومی کشور و فقدان جایگاه جدی برخی جریان‌ات تروریستی قوم‌گرا یا تروریستی است که گهگاه با اقدامات ایذایی مانند گروگان‌گیری، آدم‌ربایی و یا کمین به اقدامات خشونت‌آمیزی دست می‌زنند که این خود باعث فاصله‌گرفتن بدنهٔ اقوام از آنها شده و باعث مشارکت سیاسی بیشتر آنها می‌شود. از سوی دیگر، برخی رقابت‌های داخلی بر سر منابع محدود محیط زیستی مانند نگرانی‌های مربوط به آلودگی هوا در خوزستان و یا مسائل دریاچهٔ ارومیه، هامون و تلاش برای کاهش آنها نیز موجب مشارکت بیشتر مردم خواهد شد. در بُعد خارجی نیز مهم‌ترین متغیر جدید و تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی اقوام (برای



انتخابات آتی) مشاهده شرایط آشفته و به هم ریخته منطقه خاورمیانه (و به خصوص افغانستان، عراق، سوریه و...) است که باعث نگاه به درون نخبگان اقوام و تغییر هرچه بیشتر جهت گیری آنان از خارج به داخل کشور می شود. در این چارچوب نخبگان قومی می کوشند تا از طریق مشارکت سیاسی و انتخاباتی به مطالبات خویش نزدیک شوند. همچنین، متغیر جدید دیگر حضور و فعالیت جریانات افراطی سلفی و تکفیری در منطقه و آن سوی مرز است که موجب مرزبندی هرچه بیشتر اقوام و اهل سنت ایرانی از این گونه جریانات خارجی شده و باعث تقویت تمایلات و رفتارها در نظام می شود. در مجموع و بر اساس تغییراتی که در آرایش سیاسی نیروهای موجود در کشور پدید آمده و تحولات فرامرزی و بین المللی (از جمله توافقنامه برجام و فعالیت جریانات تکفیری و افراطی)، احتمالاً تمایل به مشارکت سیاسی اقوام تا حدودی حتی بالاتر از قبل هم خواهد بود.